



در آلمان، هلند، فرانسه و بلژیک پول‌های بسیار زیادی خرج کردند برای اینکه مهاجرین خصوصاً نسل دوم و سوم آنها را - چون از نسل اول مهاجر که تقریباً همگی مایوس‌اند - به قول خودشان جامعه پذیر کنند، اما نتوانستند.

مثالی برای این شکست، تهدیدی است که راستگرایان افراطی در اتحادیه اروپا مطرح می‌کنند، آنها می‌گویند: در سال ۲۰۳۰ اکثریت مردم در پاریس مسلمانند و در برلین اذان صوت غالب خواهد بود. بعضی از صاحب‌نظران صرفاً از این زاویه به ماجرای مهاجران در اروپا نگاه می‌کنند که در آلمان و دیگر کشورهای مهاجرپذیر، از آنها به عنوان یک نیروی کار استفاده شده است تا به وسیله آنها بتوانند جمعیت منفی کشورشان را جبران کنند و مشکلات اقتصادی‌شان را حل کنند. اما اگر جامع‌تر به ماجرا نگاه کنیم، علاوه بر مقاومت مهاجرین در مقابل پروژه‌های ادغام و تلاش برای حفظ هویت، فشار اجتماعی سبب شد تا گروه‌هایی از جوانان مسلمان مهاجر - یعنی همان نسل سوم مهاجر که تحت جدی‌ترین پروژه‌های ادغام بودند - در مقابل این فرهنگ و نظم القایی اروپایی، دست به طغیان بزنند و برای مبارزه و جهاد به داعش بپیوندند؛ خب این نماد شکست این سیاست‌هاست.

یکی از دلایل مهمی که سبب ناکامی اروپاییان در سیاست‌های ادغام شد، تقابل روح مسیحی جوامع اروپایی با فرهنگ غالب مهاجران مسلمان بود. سیاست این کشورها در تلاش برای اعمال فرهنگ غربی بر مهاجرینی بود که عمدتاً حامل فرهنگی اسلامی از جوامعی سنتی بودند؛ لذا مؤلفه‌های مسیحی فرهنگ غربی - حالا چه کاتولیک چه پروتستان - با وجود لائیک و سکولار بودن، ظرف ۲ هزار سال گذشته سبب شکل‌گیری یک فرهنگ منسجم شد.

در آلمان، هلند، فرانسه و بلژیک پول‌های بسیار زیادی خرج کردند برای اینکه مهاجرین خصوصاً نسل دوم و سوم آنها را به قول خودشان جامعه پذیر کنند، اما نتوانستند. در سال ۲۰۳۰ اکثریت مردم در پاریس مسلمانند و در برلین اذان صوت غالب خواهد بود